

انطباق با شرایط بومی هر کشور است، منطقیاً بازده آن بیش از انجام تغییراتی بر مبنای مقتضیات نظام حقوقی برخاسته از یک فرهنگ خاص، خواهد بود.

۱- چارچوب نظری

حکمرانی، رابطه سه جانبه دولت، شهروند و بخش خصوصی با محوریت دولت است و حکمرانی خوب از طریق اعمال تغییراتی به وسیله مؤلفه‌هایی مانند شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، مشارکت و تضمین حقوق بشر به دنبال بهتر کردن این رابطه می‌باشد. در ادامه این مؤلفه‌ها در رابطه با دستگاه قضایی به صورت خلاصه بررسی می‌شوند:

شفافیت

اعمال این اصل در دستگاه قضایی چالش‌های جدیدی را ایجاد می‌کند؛ از یک طرف شفاف بودن روند رسیدگی مساوی با قابلیت پیش‌بینی و کاهش خطر طرح دعوا است و از طرف دیگر از دو بعد می‌تواند حقوق شهروندان را نقض کند. یکم اینکه گرفتن اطلاعات بیش از میزان لازم، به ویژه در سیستم‌های تفتیشی که دولت اقدام به جمع‌آوری اطلاعات می‌کند، اگرچه ممکن است به صدور رأی منصفانه‌تر منجر شود، ولی زمینه نظارت دولت بر زندگی شهروندان را فراهم می‌کند و دوم علنی بودن دادگاه‌ها و به خصوص انتشار آرا می‌تواند منجر به نقض حریم خصوصی شهروندان شود.

پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری

پاسخگویی فردی و نهادی قضایی در برابر دیگر ارکان حکومت، بخش خصوصی و حتی شهروندان می‌تواند با اصل استقلال قضایی در تضاد باشد.

در سیستم حقوقی ایران قوه قضاییه به صورت استثنا در قالب اصول ۷۶ و ۹۰ در برابر مجلس و اصل ۱۱۳ در برابر رئیس‌جمهور پاسخگو است. اصل ۱۱۷ قانون اساسی ضمانت اجرایی برای اشتباه یا تقصیر قاضی در نظر گرفته است که از مصادیق مسؤلیت‌پذیری در برابر شهروندان است. همچنین لزوم مستند و مستدل بودن احکام قضایی (اصل ۱۶۸ قانون اساسی) و چندمرحله‌ای بودن رسیدگی از اهرم‌های پاسخگویی دستگاه قضایی در برابر قانون و مسؤلیت‌پذیری در برابر شهروندان است.

کارآمدی و اثربخشی

پیش شرط توسعه اقتصادی، دادگاه مستقل و مؤثر است، چون صرف تصویب قوانین حامی قراردادها و حق مالکیت در جذب سرمایه‌گذاری کفایت نمی‌کند و لازم است که دادگاهی مستقل و مؤثر ضامن اجرای آن باشد. چنین دادگاهی باعث ایجاد انگیزه در بخش خصوصی می‌شود، به این ترتیب که با اجرای مؤثر قراردادها و عملکرد مستقل در جلوگیری از تجاوز حکومت به حق مالکیت، قابلیت پیش‌بینی و حسابگری معاملات تجاری را تضمین می‌کند.

مشارکت

از منظر حکمرانی خوب، مشارکت در دستگاه قضایی بحث تأثیر طرفین دعوا در تصمیم‌گیری به واسطه وکلایشان، حضور هیأت منصفه در رسیدگی‌ها، حضور برابر زنان و اقلیت‌ها در مناصب قضایی و اداری و توسعه و تقویت رسیدگی‌های مردمی شبه قضایی را به دنبال دارد.

حاکمیت قانون

حاکمیت قانون همچنین مستلزم معیارهایی است که اصول برتری قانون، برابری در برابر قانون، پاسخگویی در مقابل قانون، عدالت در اجرای قانون، تفکیک قوا، مشارکت در تصمیم‌گیری، امنیت حقوقی، پرهیز از خودسری و شفافیت حقوقی و رویه‌ای را تضمین کند. رابطه حاکمیت قانون و دستگاه قضایی متفاوت از دیگر مؤلفه‌های حکمرانی خوب است؛ از یک سو خود این نهاد از طریق نظارت قضایی، دیگر ارکان حکومت را به رعایت قانون هدایت می‌کند و از سوی دیگر مسئله رعایت قانون در شکل و محتوای امر قضا از مهم‌ترین دغدغه‌های هر نظام حقوقی است. مستدل بودن آرا و تصمیمات قضایی، مستند بودن تصمیمات به قانون و قواعد حقوق بشر بین‌الملل، رسیدگی چندمرحله‌ای، حضور وکیل و استقلال فردی و نهادی قضایی از جمله شاخص‌های حاکمیت قانون در دستگاه قضایی است.

۲- چگونگی الکترونیک شدن دستگاه قضایی

۱- آ. سه. آن و برنامه عمران ملل متحد در سال ۲۰۰۳ اهداف دولت الکترونیک را به این شرح

طبقه‌بندی کردند:

- ۲- فراهم کردن محیط کسب و کار مناسب‌تر،
- ۳- ایجاد مشتریان بر خط و نه در صف،
- ۴- تقویت حکمرانی خوب و افزایش گستره مشارکت مردم: فراهم کردن اطلاعات قابل دسترس برای مردم منجر به شفافیت و پاسخگویی می‌شود،
- ۵- افزایش بهره‌وری و کارایی نهادهای دولتی،
- ۶- بهبود کیفیت زندگی برای جوامع در وضعیت بد حاشیه‌ای و توانمند ساختن و ارائه خدمات به آن‌ها.

علاوه بر آ. سه. آن و برنامه عمران ملل متحد، بانک جهانی، دولت الکترونیک را استفاده نهادهای دولتی از فناوری اطلاعات و ارتباطات، به گونه‌ای که منجر به تغییر شکل ارتباط با شهروندان، بخش خصوصی و دیگر ارکان دولت شود، تعریف می‌کند و برای آن پنج فایده برمی‌شمرد: ارائه خدمات بهتر به شهروندان، بهبود خدمات‌رسانی به شرکت‌ها، شفافیت و مقابله با فساد، توانمندسازی به واسطه اطلاعات و درآمد دولتی کافی.

به این ترتیب می‌توان نسبت رابطه میان الکترونیک شدن و مؤلفه‌های حکمرانی خوب را با یک مثال سنجدید، در مورد مبارزه با فساد، برنامه عمران ملل متحد راهکارهای ضد فساد را به چهار نوع پیشگیری، اجرا، آزادی اطلاعات و ظرفیت‌سازی تقسیم می‌کند. الکترونیک شدن با نظارت بر اعمال و رویه‌ها و طراحی سیستم‌های تسهیل‌کننده و غیرشخصی کردن ارائه خدمات، مکمل سیاست‌های پیشگیرانه است؛ با دسترسی قرار دادن اطلاعات و تضمین شفافیت و افزایش پاسخگویی به نظارت و کنترل فساد کمک می‌کند و منجر به اجرای بهتر قوانین ضد فساد می‌شود و از طریق سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای جدید به دولت امکان مقابله بهتر با فساد را می‌دهد.

الکترونیک شدن منجر به حذف فساد نمی‌شود، ولی با افزایش شفافیت و کاهش ارتباط چهره به چهره دریافت‌کنندگان خدمات و کارکنان، آمار فساد را کاهش می‌دهد.

همچنین فناوری اطلاعات سه نقش حیاتی در بخش قضایی ایفا می‌کند: تشکیل زیربنای ارتباطات داخلی کارکنان قضایی؛ فراهم کردن اطلاعات و خدمات حقوقی الکترونیک و دسترسی عمومی به راهنمایی حقوقی.